

ارتقا

شماره ۹ / بهار ۱۴۰۰

صندوق رای

نگاهی به مشارکت سیاسی زنان

دیکتاتوری و دموکراسی

چقدر فکر می‌کنیم که فکر می‌کنیم؟

در نكوهش تفكر به ایدئولوژی

انتخابات یا انتصابات؟



فہرست

گاہنامہ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی آفاق

نگاہے بہ مشارکت سیاے زنان ۲۱

انتخابات یا انتصبات؟ ۶

دیکتاتوری و دموکراے ۱۴

اتفاقیه ۳۰

آفاق

طراحی و کرافیک:

باآیانی

صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویمان

دانشگاه علوم پزشکی اراک



سندوق رای ۴

سرڈیریز:

ابوالفضل مقدم

مدیر مسؤل:

مہتاب حیدری

سخنان شہید مطہری پیرامون ”آزادی انتخاب“ ۲۹

چقدر فکر مے کنیم کہ فکر مے کنیم؟ ۱۲

ہیئت تحریریه: شایان اسلامی بلده، مہتاب حیدری، محمد امین خادمی، فاطمہ شجاع،

مجتبیٰ طالبی، حسام عزیزی، ابوالفضل مقدم

شماره ۹/ بہار ۱۴۰۰



صندوق رای



محمد امین خادمی

بکوشیم تا راه درست ایشان را به سرانجام برسانیم؛ هر کس خود مَخیر است تا طبق نظر خود عمل کند ولی در پایان چیزی که مهم است و بیشترین قدرت را دارد نظر اکثریت مردم است؛ انتخابات لطف مردم به حکومت هاست که نظرشان را روشن و مسالمت آمیز به ایشان برسانند و نه بالعکس، میزان مشارکت، آرا باطله و... نیز خود نوعی لطف مردم به حکومت هاست تا بلکه به خود بیایند و از مردم، که صاحبان اصلی هستند، فاصله نگیرند. در پایان نیز باید یاد آوری کنم که این صندوق رای است که باقی خواهد ماند...

در سال ۱۳۵۷ امیدهایمان از تغییرات اساسی ناامید شده اما باید تصمیم بگیریم که چه کنیم؟ اکنون صدای تحریم انتخابات و رای ندادن به گوش می‌رسد، اما توضیح داده شد که برای همین صندوق‌های رای بیش از صد سال تلاش شده و بسیاری جان خود را از دست داده‌اند و سختی کشیدند تا نظر مردم، پرسیده شود؛ حال به آن عمل شود یا نه، با قیومیت نظرشان محدود شود یا نه؛ برای وجود همین صندوق‌های رای بسیار تلاش شده است.

ما نیز باید دنبال کننده‌ی کارهای درست تاریخی باشیم و در جهت جمهوریت، دموکراسی و پرسیدن نظر مردم بکوشیم. در مجموع قهر با صندوق را صحیح نمی‌دانم، شاید کسی را شایسته‌ی رای نیابم اما برای صندوق رای، تلاش‌ها و سختی‌های گذشتگانمان احترام و ارزش قائل هستم و اعتقاد دارم که باید

مشارکت مردم در امر حکومت را پذیرفت و مجلس شورای ملی تاسیس گشت، بدین طریق اولین انتخابات در ایران برگزار شد و مردم به تدریج توانستند نقشی در تصمیمات حکومت داشته باشند، البته طولی نکشید تا این مجلس به توپ بسته شود و عده‌ی دیگری نیز کشته شوند، اما مشارکت مردم امری بود که تازه آغاز شده بود و به سادگی قابل کنار زده شدن نبود، فتح تهران پس از تلفات سنگین و ادامه‌ی سلطنت به صورت مشروطه نیز شاهده‌ی بر این مدعاست.

رضاخان رضاشاه شد، فرزندش محمدرضا نیز شاه شد، کودتای ۲۸ مرداد به وقوع پیوست، انقلاب سال ۵۷ شد، دوم خرداد ۷۶ رخ داد، سال ۷۸ و وقایع کوی دانشگاه انجام شد، سال ۸۸ آمد و جنبش سبز آغاز شد، سال ۹۴ آمد و آخرین انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد؛ اما چیزی که در این سال‌ها باقی ماند، رای مردم بود. بسته به حکومت‌ها گاهی مهم، سرنوشت‌ساز و تاثیر گذار بود و در برهه‌هایی بی‌اهمیت، نمایشی و پوششی ولی صندوق‌های رای پابرجا بودند.

ایران، شاید از اولین مواردی که با شنیدن نام ایران به ذهن بیاید تاریخ ایران باشد، تاریخ غنی با قدمت چند هزار ساله؛ همانطور که می‌دانیم نظام حاکم بر ایران از هزاران سال قبل به صورت شاهنشاهی و به تعبیری دیکتاتوری بوده است، البته که نمی‌توان از مجالسی همچون مهستان در زمان اشکانیان چشم پوشی کرد، اما در مجموع حرف آخر حرف شاه بوده است.

اما در تاریخ معاصر ایران، نخستین بارقه‌های تقسیم قدرت شاه از حکم میرزای شیرازی آغاز شد و پس از مدتی با منورالفکر شدن جمعی از تحصیل کرده‌ها در فرنگ و آگاه شدن از واژه‌هایی چون دموکراسی و حکومت قانون به تدریج اندیشه‌های مشروطه‌گری وارد ایران شد و پس از مبارزات و تلفات بسیار از جمله در قشون کشی‌ها یا محاصرات شهرها توسط نظامیان و مرگ مردم بر اثر قحطی؛ در مرداد ماه سال ۱۳۵۵ خورشیدی فرمان مشروطیت صادر شد و شاه





به کار بستند تا امیدهای یک نسل را نابود کنند و کردند! امیدهایی که اکنون تبدیل به بغض مقدسی شده و در گلوی مردم مانده است.

بر این باورم که شلیک به امید مردم، سبب خروج ترامپ از برجام شد، البته که در جنایتکار بودن ترامپ هیچ شکی نیست ولی وقتی که او تضادهای درون حاکمیت و لجبازی با آرای اکثریت را دید، فرصت را غنیمت شمرد و از برجام خارج شد. با خروج آمریکا از برجام، شدیدترین تحریم‌های اقتصادی علیه ایران وضع شد که هدف فلج کردن اقتصاد ایران بود، نتیجه این تحریم‌ها مشکلات معیشتی امروز مردم است. شیوهی مواجهه نظام با اعتراضات آبان ماه ۹۸ که در پی خشم ناشی از ۳ برابر شدن قیمت بنزین بود و منجر به جان باختن صدها نفر شد، یکی از جدی ترین نکات انتقادی وارده به نظام است که از عوامل موثر در کاهش اعتماد عمومی جامعه می‌باشد. همچنین شلیک فاجعه بار به پرواز شماره ۷۵۲ توسط یکی از نهادها که بنا بر اعلام مقام پاسخگو خطای انسانی سهوی عامل آن بود و منجر به کشته شدن ۱۷۶ نفر شد و در پی آن عدم شفافیت، پنهان کاری و تحلیل‌های مضحک که شکاف میان مردم و نظام را عمق دوچندان بخشید.

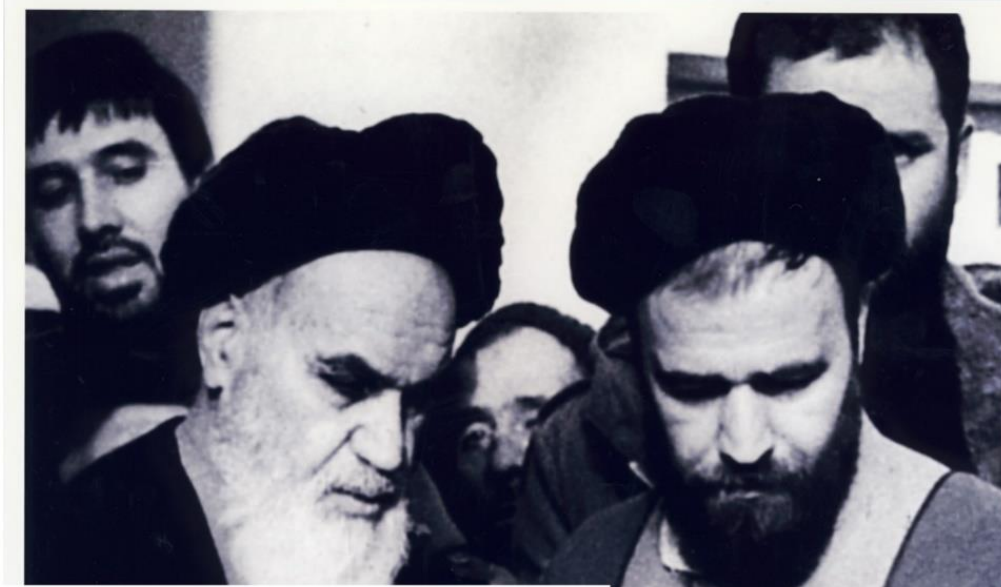
۳ بار هم انتخابات برای انتخاب اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی، انتخابات برای ریاست جمهوری و انتخابات برای مجلس شورای اسلامی برگزار شد. انقلابی که سال اول ۵ بار مردم را پای صندوق رای دعوت می‌کند، نشان می‌دهد که ذاتش چیست؛ امام(ره) می‌خواهد بگوید راه و مسیر ما با آراء مردم است.

رهبری هم بارها تاکید کرده‌اند که انتخابات شکوهمند و پرشور ضامن مشروعیت نظام است و این نظام بدون حاکمیت مردم و انتخابات آزاد بی معناست.

عوامل بحران مشارکت :

دولت روحانی با عقلانیت برجام را به ثمر رساند و همه قطعنامه‌هایی که علیه ایران با اقدامات بی‌منطق احمدی نژاد و همفکرانش به تصویب شورای امنیت رسیده بود، لغو کرد. برجامی که این روزها می‌دانیم تصمیم نظام هم بوده است.

طبق آمار بعد از توافق برجام، ایران پس از مصر بزرگترین جذب سرمایه خارجی در جهان را داشت. اما تندروها نخواستند ببینند که ایران وارد تعامل با دنیا شده و اقتصاد کشور رو به بهبودی حرکت می‌کند؛ بنابراین تمام تلاش خود را



انتخابات یا انتصابات!؟



ابوالفضل مقدم

نظریه امام این بود که مردم نقش اصلی و تعیین کننده در قدرت دارند و اساس نهضت و نظام جمهوری اسلامی ایران از صندوق رای و همه‌پرسی شروع شده است. سال بعد از انقلاب (۱۳۵۸)، مردم ۵ مرتبه پای صندوق های رای حاضر شدند.

۲ بار در همه‌پرسی شرکت کردند، بار اول همه‌پرسی برای نظام جمهوری اسلامی و یکبار هم همه‌پرسی بعد از نهایی شدن قانون اساسی.



“ با وجود مخالفت‌های بسیار، در کمتر از دو ماه پس از پیروزی انقلاب، امام(ره) پیشنهاد همه‌پرسی داد، معنی این حرکت امام چه بود؟ ”

ارتباط بین بحران مشارکت و مشروعیت نظام :

مشارکت در انتخابات راهکاری مؤثر برای مردم است تا عقاید و نظراتشان را در اداره امور کشور اعمال کنند. حکومت‌ها در همه انتخابات‌ها به حضور پرشور و حداکثری مردم در انتخابات تاکید می‌کنند، چراکه میزان مشارکت مردم یکی از شاخص‌های مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی در کشورهاست.

بحران مشارکت که نشان‌دهنده وجود دیوار بلند بی‌اعتمادی میان مردم و حاکمیت است، به شدت نظام سیاسی کشورمان را تهدید می‌کند، مردم در انتخابات مجلس یازدهم - که کمترین میزان مشارکت در ۴۲ سال گذشته را به خود اختصاص داده - نشان دادند به هر قیمتی حاضر نیستند پای صندوق‌های رای حاضر شوند.



و فراوانی را برای کشور به دنبال خواهد داشت.

حکومت پر قدرت بدون پایگاه اجتماعی پایداری خود را از دست خواهد داد، نظام در اجرای برنامه‌های حکومتی خود با موانع بسیاری روبرو خواهد شد و عدم همکاری مردم با حاکمیت به دلیل اینکه سیاست‌ها و برنامه‌های حاکمیت را موردپسند نیازه‌های خود نمی‌دانند یک هرج و مرج داخلی بوجود خواهد آورد و شکاف میان مردم و حاکمیت به بیشترین سطح خود خواهد رسید؛ علاوه بر این جایگاه نظام در سطح بین‌المللی تضعیف خواهد شد، دوستان منطقه‌ای از ایران به عنوان یک نظام دموکراتیک یاد نخواهند کرد و امنیت کشورمان تهدید خواهد شد.

یکی از مولفه‌های دور نگه داشتن سایه جنگ از کشور مشارکت فعال مردم در فرایندهای سیاسی است که اگر این مولفه‌ی کم هزینه از دست برود، خسارات و فراوانی را برای کشور به دنبال خواهد داشت.

مشارکت فعال مردم در گرو انتخابات آزاد است، انتخابات آزاد نماد جمهوریت حاکمیت است و نباید با برخوردهای سلیقه‌ای همچون ردصلاحیت‌های گسترده دایره انتخاب مردم را تنگ تر کرد.

شهید مطهری رشد اجتماعی ملت را در انتخاب آزاد می‌داند هر چند که مردم در آن انتخاب اشتباه کنند.

میزان رای ملت نیست!

مگر قرار نبود ایران مال همه باشد؟

مگر قرار نبود همه ملت در انتخابات دخالت کنند؟ مگر قرار نبود به فرموده امام (ره) چند نفر پیرمرد ملا در امورسیاسی به جای کل ملت تصمیم بگیرند و مردم را از صحنه خارج نکنند؟

مگر قرار نبود عدالت سیاسی برقرار شود؟

مگر قرار نبود همه‌ی سلیقه‌ها، تفکرات و جناح‌ها بدون لکنت زبان، بتوانند حرف‌ها و نظرات خود را بیان کنند؟

مگر قرار نبود تصمیم‌ها به پشتوانه این مردم گرفته شود؟ احتمالاً شورای نگهبان قرار را براین گذاشته که مردم دلسرد شوند و به راحتی روبروی قانون و اندیشه بنیان‌گذار انقلاب قرار می‌گیرد. طبق اصل ۵۶ قانون اساسی «:حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند، یا در خدمت فرد یا گروهی خاص قرار دهد.»

امام (ره) همیشه تاکید می‌کردند این مردم هستند که ما را به اینجا رساندند و گره‌های پیش‌روی انقلاب را گشودند.

اصلاً ما کی هستیم و کجا بودیم؟ همه ما یا یک طلبه یا یک فرد عادی بودیم، مردم در نهضت آمدند و فداکاری کردند، مردم خون دادند، مردم ۲۲ بهمن را بوجود آوردند، مردم رژیم فاسد گذشته را سرنگون کردند، مردم آمدند پای صندوق ۹۸.۲ درصد به نظام جمهوری اسلامی ایران رای دادند.

بسیاری معتقدند پیروز انتخابات خیلی زود مشخص شده، البته طبق فرمایش امام علی (ع) در حکمت ۳۲۷ نهج‌البلاغه پیروزی ناعادلانه مثل شکست است.

شاید برای مردم مهم نیست ولی نمی‌دانند هدف مشارکت حداکثری است یا حداقلی؟



حالا نمی‌دانم چه شده که می‌خواهند مردم را کنار بگذارند، صحنه انتخابات طوری رقم خورده که جبهه اصلاحات ایران به ریاست بهزاد نبوی اعلام می‌کند به دلیل ردصلاحیت‌های فله‌ای هیچ کاندیدایی نداریم و کارشناسان بحث مهندسی انتخابات را مطرح می‌کنند!

انتخابات : مرحله اول

حالا ایران مانده است و جمهوریتهی که بیشترین جفا و ظلم در حق او شده است. مردم می‌گویند ایران را چه کنیم؟ مگر می‌شود کشور را دودستی تقدیم فرصت‌طلبان کرد؟ ایران علی‌رغم همه زخم‌های تنش تا به امروز استوار مانده است و مردم ایران حافظش خواهند بود.
ما مردم ایران رعیت نیستیم. صدای ما را بشنوید.

همه ارکان نظام به دنبال حضور آحاد مردم در انتخابات هستند ولی موثرترین نهاد در امر انتخابات در عمل چنین چیزی را نشان نمی‌دهد. لیست احراز صلاحیت شدگان برای انتخابات ریاست جمهوری همه را متعجب و در عین حال معترض کرد. کار به جایی رسیده که رهبر معظم انقلاب صراحتاً از عبارت ظلم و جفا نسبت به رصلاحیت‌ها استفاده می‌کند و مطالبه‌شان از دستگاه‌های مسئول این است که جبران کنند، البته دیدیم شورای نگهبان تمایلی به جبران ندارد! و هیچ ضرورتی هم نمی‌بیند که دلایل رصلاحیت کاندیداها را حتی به خودشان هم اعلام کند.

رئیس جمهور روحانی به شورای نگهبان بارها تاکید کرده که اگر روزی انتخابات از نظر مردم بیفتد، به معنای پایان تمام حرکات و انقلاب در کشور است. فقیه عضو شورای نگهبان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گوید: هیچ‌گاه تصمیمات شورا را تا این حد غیرقابل دفاع نیافته‌ام؛ چه در تایید صلاحیت‌ها و چه در عدم احراز صلاحیت‌ها؛ و به دخالت‌های فزاینده دستگاه‌های امنیتی از طریق گزارش‌های خلاف واقع اشاره می‌کند، گزارشاتی که رهبری هم به آن اشاره کرد.

بماند که این گزارشات غلط چه تعداد نخبگان را از گردونه خارج کرده است و به نیروهای زبده کشور جفا شده.

شورای نگهبان صلاحیت رئیس مجلس و دبیرشورای عالی امنیت ملی، یک رئیس جمهور، یک معاون اول رئیس جمهور و یک نائب رئیس مجلس را احراز نکرده است، سوال اینجاست که چگونه معتمدان نظام، صلاحیتی برای ریاست جمهوری ندارند؟! ۱۰



معمود احمدی نژاد	علیرضا زاگانی
مسعود پزشکیان	امیر مسین قاضی زاده هاشمی
مصطفی توافزاده	علی لاریجانی
سعید جلیلی	سعید محمد
اسحاق جهانگیری	محسن مهر علیزاده
جناب آقای ابراهیم رئیس‌الساداتی	عبد‌الناصر همتی

افراد که بیش از ۶ رای بیاورند وارد مرحله دوم میشوند

چقدر فکر می‌کنیم که فکر می‌کنیم؟

در نكوهش تفكر به ایدئولوژی



مهتاب حیدری

IDEOLOGY



انسان چه تفاوت هایی با سایر گونه‌ها دارد؟

مثلا یک انسان با یک حیوان چه تفاوتی دارد؟

وقتی این سوال از ما آدم‌ها پرسیده شود بعد از کمی تامل و تفکر می‌گوییم
خب مشخصاً قدرت تفکر!

دکارت می‌گوید من می‌اندیشم پس هستم، می‌گویند من می‌اندیشم و
حیوان ناتوان است از این مهم؛ بنابراین مهم‌ترین تفاوت ما، نیروی تامل
ماست.

آیا واقعا ما فکر می‌کنیم؟؟ چقدر فکر می‌کنیم که فکر می‌کنیم؟

۱- بیایید مختصری درباره ایدئولوژی صحبت کنیم.

ایدئولوژی ترکیب Idea به معنی فکر و نظر و Logy به معنی شناختن است.

تعریفش در کتاب‌ها به این شکل است که: مجموعه‌ی است سامان یافته از باورها و افکار و عقاید ثابت سیاسی و اجتماعی‌ای از جمله سیستم‌های فکری، فلسفی و ... که فرد، گروه یا جامعه دارد و در تعیین خط‌مشی، عمل یا موضع‌گیری معتقدان به آن‌ها مؤثر است.

این تعریف سه بخش خیلی مهم دارد:

اول اینکه یک مجموعه بسته است، معمولاً ایدئولوژی‌ها مثل یک قاب هستند که فقط می‌توانید از دریچه‌ی آن به مسائل فکر کنید؛ دوم اینکه فرد، گروه یا جامعه آن را پدید آورده است اما بخش سوم قابل توجه تر از دو بخش دیگر است.

ایدئولوژی‌ها معمولاً بعد از متولد شدن تبدیل به هیولاهایی می‌شوند که رابطه‌ی آنها با کسانی که به آن باور دارند؛ یک‌طرفه و از بالا به پایین است. ایدئولوژی چارچوبی را فراروی دیدگان پیروان قرار می‌دهد و می‌گوید هر چیزی که در این قاب می‌بینی درست است. بقیه موارد را نباید ببینی، بشنوی، به آن‌ها فکر کنی یا بپذیری. خارج از این چارچوب را فراموش کن. افق دیگری وجود ندارد. همه چیز در خدمت مصلحت و منافع ایدئولوژی است. شاید از نظر شما این نگاه درست نباشد و اگر به ایدئولوژی‌های علمی نگاه کنیم می‌بینیم که افراد زیادی به تدریج طی قرن‌ها یک ایدئولوژی علمی را بوجود آوردند.

باید خدمتتان عرض شوم که آن دانشمندان تمام زندگیشان برده آن ایدئولوژی ناقص بوده‌اند و تمام تلاششان در راه خدمت به تکامل ایدئولوژی‌شان صرف شده است، مثل برده‌های اهرام مصر،

ایدئولوژی‌ها سوال نمی‌کنن. نه فقط سوال نمی‌کنند که پرسش را هم بر نمی‌تابند؛ چون و چرا در دل آن جایی ندارد، حق پرسیدن را برای افراد قائل نیستند. ایدئولوژی دستور می‌دهد، حکم می‌کند، و با این احکام و پندنامه‌ها و دستورالعمل‌ها سعی دارد از به‌وجود آمدن مزاحمی به نام آزاداندیشی جلوگیری کند. کفایت نگاهی به دو قرن اخیر تاریخ مکاتب روانشناسی بیندازیم. حتی خود صاحب نظرانش سعی می‌کنند تمام اتفاقات و سوالات را فقط در قالب آن ایدئولوژی که به آن پای بند هستند پاسخ بدهند.

ایدئولوژی خودش را برترین می‌شمارد و غیر از خود را مردود می‌داند. همانطور که ایدئولوژی متولد می‌شود یک روزی پیر می‌شود. ایدئولوژی زمانی که پیر می‌شود تبدیل می‌شود به کارخانه‌ی یکسان‌سازی، همه باید یک‌دست و هم‌شکل باشند. فکر و عمل و هدف باید هم‌سان شود. پیروان در حد یک شیء پایین می‌آیند و اختلاف‌نظر و تنوع و تکرر آراء و عقاید ممنوع می‌گردد. همه باید متحدالشکل شوند، یک یکنواختی و همسانی عمومی در ذهن و زبان رفتار، جاری شود. در این گفتمان، قدرت تفکر، انتخاب و تصمیم‌گیری فقط در اختیار بزرگان و تئوریسین‌ها و صاحب منصب‌ها است و بقیه باید همیشه مقلد بمانند.

ایدئولوژی نقطه پایان است.

ایدئولوژی مساوی با بزرگان یک حزب سیاسی نیست.

فقط اسلوب‌های ساختاریافته و بی‌تغییر مکاتب اجتماعی نیست.

۲- بیایید با شناخت ایدئولوژی‌ها گرفتارشان نشویم.

محدودیت‌ها و بازدارندگی‌های ایدئولوژی‌ها را ببینیم و خود را از بندشان برهانیم.

دیکتاتوری و دموکراسی



فاطمه شجاع

دیکتاتوری یعنی چه؟

استبداد یا دیکتاتوری به فرانسه (Dictature) نوعی قدرت مداری تمامیت‌خواه است که برخی از ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

در کار نبودن هیچ قانون و یا سنتی که کردار فرمانروا (مستبد) را محدود کند.

به دست آوردن قدرت دولت با شکستن قوانین پیشین.

نبودن قاعده و قانونی برای جانشینی.

به کار بردن قدرت در جهت منافع گروه اندک.

فرمان برداری مردم از قدرت دولت تنها به سبب ترس از آن.

انحصار قدرت در دست یک نفر.

مواجهه واقع‌بینانه با دیکتاتوری‌ها

در سال‌های اخیر بسیاری از دیکتاتوریه‌ها با ریشه‌های داخلی یا خارجی در مواجهه با مبارزات سازمان یافته مردم سقوط کرده یا متزلزل شده‌اند. حتی مشاهده شده است که دیکتاتورهای بسیار قدرتمند، ظاهراً رسوخ ناپذیر و دارای بیشترین نیروی محافظ در برابر مقاومت مسالمت آمیز هم‌هنگ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم تسلیم شدند.

دیکتاتوری‌هایی که سقوط کردند

در دهه ی ۱۹۸۰ دیکتاتورهای بسیاری در چک و اسلواکی، لیتوانی، استونی، بولیوی، آلمان شرقی، فیلیپین، استونی و ... در برابر جنبش‌های مردمی بی‌خشونت تسلیم شدند. علاوه بر این‌ها در سال‌های اخیر مبارزه طلبی‌های توده‌ای سیاسی در چین، برمه و تبت هم شکل گرفته، هر چند که این منازعه‌ها به پیروزی نهایی نرسیده است و باعث سقوط دیکتاتوری حاکم یا اشغالگران نشده است اما چهره ی بی رحم این رژیم‌های سرکوبگر را برای جامعه ی جهانی به نمایش گذاشتند و برای مردم هم تجربه‌ی ارزشمند از مبارزات بی‌خشونت بر جا گذاشتند.

مردم در حکومت‌های دیکتاتوری

مردم در این حکومت‌ها اتمیزه میشوند یعنی به توده‌ای از افراد جدا از هم تبدیل شدند که توانایی همکاری برای رسیدن به هدف مشترک را ندارند.

در نتیجه مردم ضعیف می‌شوند نیروی مقاومت و اعتماد به نفس آنها از بین می‌رود. مردم می‌ترسند و خشم خود را به دیکتاتوری نشان نمی‌دهند.

برای به زانو درآوردن دیکتاتور با کمترین هزینه چهار قدم اصلی باید برداشته شود:

۱- اراده و اعتماد به نفس و مهارت‌های مربوط به مقاومت در مردم تحت ستم ایجاد شود.

۲- گروه اجتماعی مستقل و سازمان‌های ویژه مردم تحت ستم ایجاد و تقویت شود.

۳- نیروهای داخلی قدرتمند ایجاد شود.

۴- طرح استراتژیک خردمندانه برای کسی آزادی طراحی و با مهارت اجرا شود.

چارلز استورات پارنل در سال ۱۸۷۹ در جمع ایرلندی‌های اعتصابی علیه اجاره‌های انگلستان گفته است: تکیه بر دولت هیچ سودی ندارد لازم است تنها به اراده ی خود تکیه کنید با ایستادن در کنار

یکدیگر خود را یاری کنید، کسانی که ضعیف

هستند را تقویت کنید، پیوندها را بین

خود برقرار کنید خود را سازمان دهید

که پیروز خواهید شد. وقتی که تقاضای

خود را برای به کرسی نشاندن آماده

کردید آنگاه نه پیش از آن به کرسی

خواهد نشست.

مذاکره برای خاتمه صلح آمیز

مبارزه‌ی جدی علیه دیکتاتورهای بی رحم

چشم انداز مطبوعی ندارد.

در صورتی که نیروهای دموکرات به صورت صلح آمیز به منازعات خاتمه دهند احتیاجی به تحمل خطرات و رنج‌های مبارزات آتی نخواهد بود. آیا این راه حل از مبارزه‌ای سخت بهتر نیست؟

شایستگی‌ها و محدودیت‌های مذاکره

اعتصاب کارگری به منظور بالا بردن سطح دستمزدها مثال خوبی از کاربرد مناسب مذاکره در یک کشمکش است.



Diktator



حذف دیکتاتوری‌های نیرومند نیست..

ضعف های حکومت دیکتاتوری

۱- ممکن است همیاری تعداد زیادی از مردم، گروه‌ها و موسساتی که برای عملکرد سیستم ضروری هستند محدود شود یا کامل قطع شود.

۲- ملزومات و نتایج سیاست‌های گذشته‌ی رژیم گاهی توان پذیرش و اجرای سیاست‌های جدید را محدود کرده و یا آن را سلب می‌کند.

۳- ممکن است سیستم در عملکرد خود دچار روزمرگی شود در نتیجه قادر به انطباق سریع با وضعیت های جدید نباشد.

۴- افراد و منابعی که برای انجام وظایف فعلی اختصاص داده شدند احتمالاً برای رفع نیاز های جدید آمادگی نخواهند داشت.

۵- افراد مادون ممکن است از ترس ایجاد نارضایتی در مافوق خود اطلاعات صحیح و کاملی که دیکتاتورها برای تصمیم گیری به آن نیاز دارند در اختیار آنها قرار ندهند

۶- ممکن است ایدئولوژی‌ها کهنه شود و افسانه‌ها و نمادهای سیستم پایداری خود را از دست بدهد.

لا- اگر ایدئولوژی قدرتمندی ارائه شده باشد که بر بینش فرد از حقیقت تاثیر بگذارد پابندی بیش از حد به آن ممکن است باعث بی توجهی به شرایط و نیازهای واقعی شود.



۸- بروز زوال در کارایی و تاکید بیش از حد بر بروکراسی و اعمال تنظیمات مرکزی و کنترل‌های مفرط ممکن است سیاست‌ها و اعمال سیستم را ناکارآمد کند.

۹- سلسله مراتب قدرت در حکومت‌های استبدادی همیشه دارای درجاتی از بی‌ثباتی است. گاهی هم این بی‌ثباتی بسیار زیاد است. افراد نه تنها در درجه بندی خاص خود باقی می‌مانند که ممکن است به سطوح پایین تر یا بالاتر منتقل شوند.

۱۰- نیروهای نظامی ممکن است دست به کودتا بزنند.

دموکراسی یعنی چه؟

دموکراسی برگرفته از واژه یونانی دِموس، به معنای مردم است. در حکومت‌های دموکراتیک، این مردم اند که بر قانون گذار و دولت حکومت می‌کنند.

اگر چه تفاوت های جزئی میان حکومت های دموکراتیک مختلف جهان به چشم می‌خورد، برخی اصول و شیوه های خاص دولت های دموکراتیک را از سایر اشکال دولت ها متمایز می‌سازند.

دموکراسی دولتی است که کلیه شهروندان آن، چه مستقیم و چه غیر مستقیم و از طریق نمایندگان منتخب خود، از قدرت استفاده و وظائف مدنی خود را انجام می‌دهند.

وضعیت مورد مصالحه‌ی نهایی احتمالاً جایی بینابین نظر هر یک از دو طرف خواهد بود. اما کشمکش‌های کارگری که از طریق اتحادیه‌های قانونی صورت می‌گیرد کاملاً با منازعه‌ای که در آن بحث بر سر وجود دیکتاتوری‌های مستمر و تاسیس نظامی مبتنی بر آزادی‌های سیاسی است تفاوت دارد. هنگامی که بحث بر سر موضوعات بنیادین مرتبط با اصول انسانی یا پیشرفت و توسعه‌ی یک جامعه است، مذاکره دیگر راه

راه حل مناسبی برای رسیدن به نتیجه رضایت بخش برای دو طرف نیست. بر سر بعضی موضوعات نمی‌شود مصالحه کرد. تنها تغییر در روابط قدرت به نفع آزادی خواهان می‌تواند آنطور که شایسته است از کیان موضوعات پایه‌ای حراست کند. این تغییر نتیجه‌ی مبارزه است نه مذاکره؛ البته این به آن معنا نیست که هیچگاه نباید از مذاکره استفاده کرد بلکه نکته این است که بدون وجود یک نیروی قدرتمند دموکرات و مخالف، مذاکره راهی واقع بینانه برای

دموکراسی مجموعه ای از اصول و روش ها است که از آزادی انسان دفاع می کند؛ دموکراسی نهادینه شدن آزادی است.

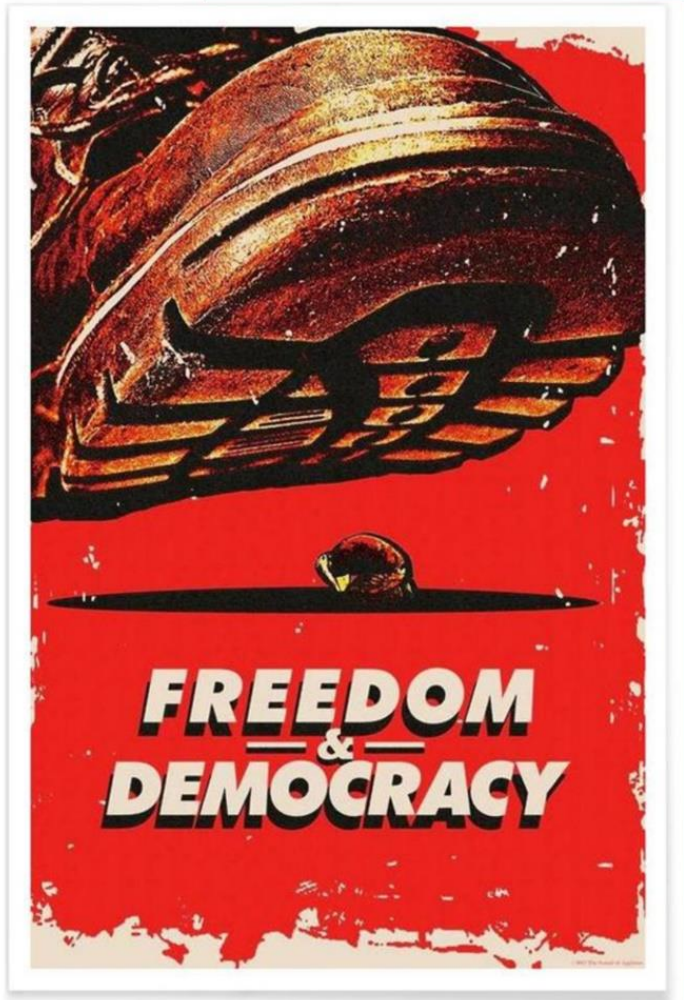
دموکراسی بر پایه حکومت اکثریت و حفظ حقوق فردی و اقلیت ها استوار است. تمامی دموکراسی ها، ضمن احترام به خواست اکثریت، مدافع سرسخت حقوق اساسی افراد و همچنین گروه های اقلیت هستند.

دموکراسی ها می دانند که یکی از عملکردهای اصلی شان دفاع از حقوق اولیه ای همچون آزادی بیان، آزادی دین، حق برخورداری برابر از حمایت قانون، و فرصت سازماندهی و مشارکت کامل در امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه است.

دموکراسی ها به طور منظم انتخابات آزاد و عادلانه برگزار می کنند که همه شهروندان حق شرکت در آن را دارند. در یک دموکراسی، انتخابات نمی توانند نمایی ظاهری باشند که دیکتاتورها و یا یک حزب خاص پشت آن مخفی شوند، بلکه، انتخابات رقابت های واقعی هستند بر سر حمایت مردم.

دموکراسی دولت ها را قانون مدار می سازد و متضمن این است که تمامی شهروندان از حمایت برابر قانون برخوردار باشند و دستگاه حقوقی از حقوق شان دفاع کند.

دموکراسی ها متفاوت از یکدیگر اند و هر یک از آنها حیات سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی خاص ملت خود را منعکس می کند. دموکراسی ها همگی بر پایه یک سری اصول اساسی استوار اند، نه بر پایه شیوه های یکسان.



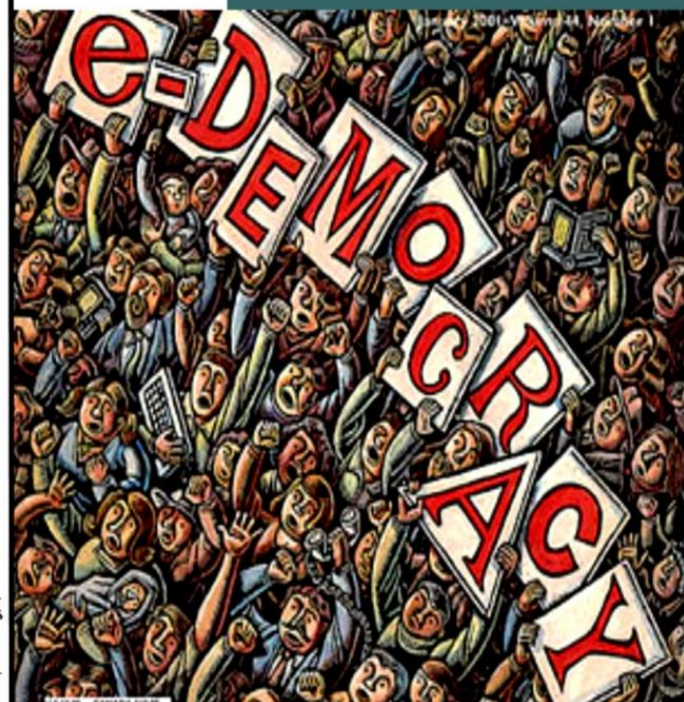
در یک حکومت دموکراتیک، شهروندان نه تنها حق و حقوق دارند، بلکه موظف به مشارکت در سیستم سیاسی ای هستند که از حقوق و آزادی هایشان دفاع می کند.

جوامع دموکراتیک به ارزش هایی همچون تحمل، همکاری، و مدارا پایبند هستند. دموکراسی ها دریافته اند که برای دستیابی به وفاق، مدارا لازم است و همچنین اینکه شاید وفاق همیشه قابل حصول نباشد. به قول ماهاتما گاندی عدم تحمل خود یک نوع خشونت است و یک مانع برای به وجود آمدن یک روحیه دموکراتیک راستین

زیربنای دموکراسی پایدار

فروپاشی دیکتاتوری مطمئناً موجب جشن های بزرگی خواهد شد مردمی که مدت ها رنج کشیدند و با هزینه های بالا مبارزه کردند شایستگی اوقاتی برای تفریح، استراحت و شکرگزاری را دارند. آنها باید به خودشان و تمام کسانی که در کنار آنها برای رسیدن

به آزادی سیاسی مبارزه کرده اند افتخار کنند هر چند همه برای دیدن چنین روزی زنده نیستند. زنده ها و مرده ها باید همچون قهرمانانی که با شکل گیری تاریخی آزاد در کشورشان کمک کردند به یاد آورده شوند. اما متأسفانه این زمان وقت کاهش هوشیاری ها نیست. حتی در هنگام فروپاشی موفقیت آمیز دیکتاتور از راه مبارزه مدنی باید احتیاط های دقیقی به عمل بیاید تا از برخاستن رژیم سرکوبگر جدیدی از میان هرج و مرج های ناشی از سقوط رژیم قبلی جلوگیری شود. رهبران نیروهای پیشرو دموکراسی باید از قبل برای انتقال منضبط به دموکراسی آماده شده باشند. ساختار دیکتاتوری باید از بین برود. پایه های متناسب با قانون اساسی و حقوقی و استانداردهای رفتاری یک دموکراسی پایدار حتماً باید ایجاد شود. هیچ کس نباید فکر کند که با سقوط دیکتاتوری سریعاً جامعه ای ایده آل به وجود می آید. فروپاشی دیکتاتوری تازه نقطه شروع تلاش های دراز مدت به منظور پیشبرد جامعه و پاسخگویی به نیازهای انسان است.



مشکلات جدی سیاسی اقتصادی و اجتماعی برای سال ها ادامه خواهد داشت که برای رفع آنها به همکاری تعداد کثیری از مردم و گروه های نیاز است. سیستم سیاسی جدید باید به منظور مواجهه با مشکلات آتی برای مردمی با دیدگاه های مختلف و معیارهای متفاوت فرصتی فراهم کند تا به اقدامات زیر بنایی خود ادامه دهند و رویه ی توسعه رو دنبال کنند.

Women

نگاه به مشارکت یایه زنان



ابوالفضل مقدم

زنان به عنوان نیمی از جمعیت جوامع، نقشی کمرنگ در رده‌های بالای مدیریت ایفا می‌کنند.

زنان در مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هنوز نتوانسته‌اند به حقوقی مساوی با مردان دست یابند؛ هنوز تفکر زن در آشپزخانه! تفکر حاکم در بعضی از کشورهاست. جامعه‌ای سالم، آزاد و مترقی است که زن و مرد با هم آن را بسازند، یکدیگر را حمایت کنند و در کنار هم باشند نه در مقابل هم. زنان یک کشور نقش حیاتی در رشد شکوفایی، توسعه و سلامت جامعه و خانواده دارند.



حزب دموکرات ایالات متحده آمریکا

تاریخچه تاسیس حزب دموکرات که از فرقه‌های ضد فدرالیست نشأت گرفته است به سال ۱۷۹۲ باز می‌گردد. توماس جفرسون و جیمز مادیسون دو فردی بودند که اقدام به تاسیس حزب دموکرات کردند. شعار این حزب کمک به فقرا و محرومان از طریق نهادهای دولتی است تا بدین شکل فرصت دستیابی به بخشی از رویای آمریکایی (عبارتی که در سال ۲۰۰۸ توسط همین حزب مورد استفاده قرار گرفت) را در اختیار داشته باشند. این حزب بر اساس اصول خود می‌بایست به تمام جنبه‌های نیاز انسان توجه کند و به قدرت اجتماعی شهروندان خود تمرکز داشته باشد.

پس از رقابت با احزاب دیگر در قرن نوزدهم، با انتخاب روسای جمهوری مانند وودرو ویلسون نوبت به شکوفایی حزب دموکرات رسید. اندرو جکسون عموماً به عنوان اولین رئیس جمهور دموکرات آمریکا شناخته می‌شود که در سال ۱۸۶۴ با شکست آبراهام لینکولن (رئیس جمهور جمهوری خواه وقت) به قدرت رسید.

دموکراتها از فلسفه لیبرال پیروی می‌کنند و معتقدند که نقش صحیح دولت تنظیم و نظارت بر اقتصاد است. یکی دیگر از اصول دموکراتها توزیع رفاه اقتصادی در میان افراد نیازمند جامعه است. به اعتقاد دموکراتها دولت باید با تامین فرصت‌های آموزشی، خدمات پزشکی و رفاه اقتصادی برای شهروندان خود اطمینان پیدا کند که توجه لازم به آنها صورت می‌گیرد.



سیریمائو بندارانایکه

با بررسی تاریخ مشارکت سیاسی زنان می‌توان دریافت که جهان سیاست تقریباً در هیچ زمانی زنان را با روی باز نپذیرفته است. زنان سیاستمدار برای به دست آوردن فرصتی اندک برای پیشبرد اهدافشان باید به سختی بجنگند.

قرآن کریم در سوره مبارکه نمل از ۹ سال حکومت «ملکه سبا» بر یمن حکایت می‌کند و نه تنها منتقد حکومت او نیست بلکه نکات مثبتی هم برای او برشمرده. به زعم عده‌ای اسلام محدودیت‌هایی برای حضور زن در مدیریت و رهبری یک کشور اعمال کرده، اما چگونه است که خداوند در قرآن به معرفی زنی می‌پردازد که فرمانروای سرزمینی است و در مدیریت و برخورد با مسائل از مردان هم هوشیارتر است؟ این زن حاکم است اما هرگز استبداد رای ندارد. وقتی نامه سلیمان می‌رسد بزرگان کشور را فرا می‌خواند و اظهار می‌کند هر چند که من فرمانروای شما هستم اما نمی‌خواهم نظرم را بر شما تحمیل کنم چون سرنوشت مردم برایمان مهم‌تر است و باید با اندیشمندان مشورت کرد تا به بهترین نظر رسید. مضمون این داستان قرآنی را می‌توان چنین بیان کرد که زنان می‌توانند به موازات مردان در عالی‌ترین سطوح مدیریت قرار بگیرند و یک ملت را رهبری کنند.



الن جانسون

تجربه بسیاری از زنان سیاست نشان دهنده آن است که انتظارات سختی از آنان وجود دارد. از آنان انتظار می‌رود تا زبان مردانه حاکم بر سیاست را یاد بگیرند و در چارچوب دنیای مردان سیاست قدم بردارند که این موضوع با ویژگی‌های هویتی یک زن سازگار نیست. اما با این وجود تلاش زنان برای تصاحب کرسی‌هایشان و رسیدن به حقوقشان ستودنی است.



ویجدیز فینوگاتیر

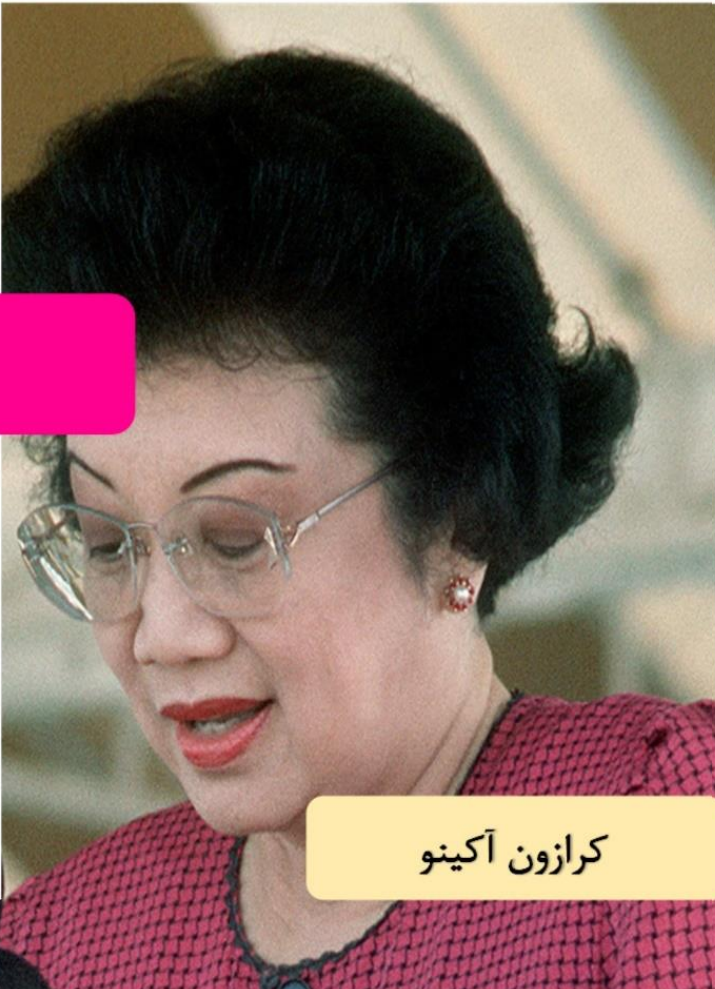
در سال ۱۸۸۹ میلادی زنان ایالت ویومینگ آمریکا حق شرکت در انتخابات محلی و ایالتی را پیدا کردند و برای اولین بار پای صندوق‌های رای حاضر شدند؛ در سال ۱۸۹۳ حق رای برای زنان در نیوزلند به رسمیت شناخته شد. پس از سال‌ها اعتراض، اعتصاب و مبارزه سرانجام در سال ۱۹۱۸ بریتانیا حق رای زنان را به رسمیت شناخت؛ از آن زمان تاکنون زنان تلاش‌های بسیاری به لحاظ قانونی و مشارکت سیاسی از طریق ورود به پارلمان و لایه‌های بالای حاکمیت انجام داده‌اند. باید به این نکته توجه کرد که حتماً رابطه مستقیمی بین تعداد زنان سیاستمدار و برآورده شدن حقوق و مطالبات زنان وجود ندارد

مارگارت تاچر، اولین نخست‌وزیر زن انگلستان، معتقد بود زنان خود باید برای پیشرفت خود تلاش کنند و حکومت باید از حوزه مسائل خصوصی شهروندان فاصله بگیرد. کمپبل خبرنگار فمینیست می‌گوید: در مقابل ما زنی قرار داشت که وجودش ظاهراً به زنان قدرت می‌داد اما پشت این ظاهر، تفکرات مردسالارانه و ارتجاعی عمیق خوابیده بود. او قدرت خود را به قیمت تحت فشار قرار دادن سایر زنان به چنگ آورد.

اولین‌ها

اولین نخست‌وزیر زن دنیا «سیریمائو بندارانایکه» بود. او سه دوره از سال ۱۹۶۰ میلادی و به مدت ۱۸ سال نخست‌وزیر سریلانکا شده است.

«ویجدیز فینوگاتیر» در سال ۱۹۸۰ میلادی با رای مستقیم مردم بعنوان رئیس‌جمهور ایسلند انتخاب شد. او نخستین زن در پست ریاست جمهوری در دنیاست.



کرازون آکینو



میشل باشله

شامل بهداشت و بقا، دستاوردها و تحصیلات آموزشی، مشارکت اقتصادی و مشارکت سیاسی چارچوبی برای اندازه‌گیری نابرابری‌ها میان زن و مرد در کشورهای مختلف بوده است. طبق آخرین داده‌های این شاخص نابرابری‌ها و تبعیض جنسیتی در شرق بیشتر از غرب است؛ در مناطق خاورمیانه و شمال آفریقا، جنوب آسیا و جنوب صحرای آفریقا، آسیای شرقی و اروپای شرقی بخصوص کشورهای کمونیست، اقیانوسیه و آسیای مرکزی بیشترین نابرابری‌ها وجود دارد. بر همین اساس در آمریکای لاتین، آمریکای شمالی و اروپای غربی برابری میان حقوق زن و مرد وضعیت بهتری دارد

گزارش اخیر مجمع جهانی اقتصاد نشان می‌دهد که با فرض سرعت پیشرفت فعلی، برابری جنسیتی در جهان تا ۹۹.۵ سال دیگر حاصل خواهد شد.

بررسی مشارکت سیاسی زنان از شرق تا غرب

زنان خاورمیانه همیشه نفرت، خشونت و جنگ می‌بینند. خون آمیخته با خشم هر روز از جلوی دیده‌هایشان رد می‌شود و از دیرباز رویاهایشان در لابلای نگرش‌های کهنه محصور شده. تبعیض جنسیتی در خاورمیانه امری طبیعی و با پشتوانه تاریخی است. در خاورمیانه تا به امروز هیچ زنی در راس قدرت نبوده و رهبری کشورها به دست مردان بوده است. کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در شاخص شکاف جنسیتی در سال ۲۰۲۰، آخرین رتبه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند

با وجود همه تبعیض‌ها و شکاف‌ها، زنان گام‌های موثر اما بسیار آهسته در جهت برابری حقوقشان با مردان برداشته‌اند اما هنوز راهی طولانی در پیش دارند. در سال ۲۰۱۵ میلادی برای اولین بار به زنان عربستان حق رای داده شد ولی هنوز زنان سهمی در کابینه این کشور ندارند (عربستان آخرین کشور دنیا بود که به زنان حق رای داد). در امارات ۹ وزیر زن در کابینه حضور دارد و ۲۲ درصد کرسی‌های پارلمان این کشور در اختیار زنان است. مجلس نمایندگان صحنه قدرت‌نمایی زنان در افغانستان است و از این نظر رتبه اول در منطقه را داراست، ۲۷ درصد صندلی‌های مجلس افغانستان در اختیار زنان قرار دارد.

پس از افغانستان، زنان در عراق و ترکمنستان توانسته‌اند ۲۵ درصد کرسی‌های پارلمان را در اختیار خود بگیرند. این در حالیست که در قطر و یمن زنان سهمی از پارلمان ندارند. بنگلادش و هند کشورهایی‌اند که در آنها زنان طولانی‌ترین زمان باقی ماندن در قدرت را به خود اختصاص داده‌اند. و اما زنان ایرانی زنان نسل جنگ و تحریم‌اند. با وجود کم‌مهری‌ها و برخوردهای همراه با تکبر، برای تحقق مطالباتشان جنگیده‌اند. برای کوچکترین مسائل هم مثل حق دوچرخه سواری یا حق حضور در ورزشگاه‌ها محکوم به مبارزه‌اند. آمارها درباره وضعیت زنان در ایران مطلوب نیست، در شاخص شکاف جنسیتی جهانی در سال ۲۰۲۰ رتبه ۱۴۸ ام را در میان ۱۵۳ کشور به خود اختصاص داده و جایگاه آن در مقایسه با رتبه سال ۲۰۱۸ (در میان ۱۴۹ کشور) به میزان ۶ پله تضعیف شده است. اولین بار سال ۱۳۴۱ با تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، زنان ایرانی صاحب حق رای شدند. در ایران سابقه انتخاب وزیر زن به قبل از انقلاب ۵۷ برمی‌گردد، زمانی که امیرعباس هویدا، فرخ‌رو پارسا را به عنوان وزیر آموزش و پرورش برگزید.

بعد از انقلاب هم فقط یک زن به مقام وزارت منصوب شده، مرضیه وحیددستجردی که با تابو شکنی احمدی نژاد به عنوان وزیر بهداشت انتخاب شد.

در ۱۲ دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران، حتی یک زن هم از فیلتر سخت شورای نگهبان رد نشده، زنان با مفهوم رجل سیاسی که سد راهی برای رئیس جمهور شدن آنان است، به راحتی از صحنه حذف می‌شوند. در حوزه پارلمان هم زنان وضعیت خوبی در ایران ندارند، در یازدهمین دوره مجلس فقط ۶ درصد نمایندگان از زنان هستند. با این وجود طبق آمار از سال ۹۲ تا به امروز حضور زنان در سطوح مدیریت میانی از ۵ درصد به ۲۵ درصد رسیده که نمایانگر تلاش زنان و اقبال حاکمیت برای حضور زنان در پست‌های مختلف مدیریتی است. لعیان جنیدی معاون حقوقی رئیس جمهور اولین زن ایرانی بود که در عالی‌ترین سطح مذاکرات سیاست خارجی شرکت کرد. از سال ۱۳۹۴ که مرضیه افخم بعنوان سفیر ایران در مالزی انتخاب شد، ایران تاکنون ۴ سفیر زن داشته است.



لعل جنیدی

شاخص جهانی شکاف جنسیتی

شاخص جهانی شکاف جنسیتی اولین بار در سال ۲۰۰۴ توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر شد. این شاخص بر مبنای چهار متغیر

طبق آخرین آمار منتشر شده، چین، یکی از جوامعی است که نگاه مردسالارانه بیشتر از برخی کشورهای دیگر در آن رایج بوده و بیش از نیمی از جمعیت این کشور، بر این باورند که زنان از توانایی‌های کمتری نسبت به مردان برخوردارند. براساس گزارش‌های منتشر شده، چین در سال ۲۰۱۶، بالاترین آمار نگاه تبعیض آمیز را نسبت به زنان داشته است. در میان روس‌ها نیز، حدود ۵۴ درصد از افراد بر این باورند که زنان از توانایی کمتری نسبت به مردان برخوردارند.

(معاون اول بایدن) همه این نام‌ها و انبوه نام سیاستمداران دیگر نشان از مهیا بودن بسترها و همچنین پذیرش توانایی زنان در غرب دارد. اروپا و بخش زیادی از آمریکا مناطقی هستند که در اکثر کشورهای آن، زنان در قدرت سهیم هستند. بنابر داده‌های جمع آوری شده در سال ۲۰۱۶ میلادی توسط مجمع جهانی اقتصاد، در اروپا ۱۴ کشور توسط

زنان سیاستمدار کشورهای شمال اروپا بیش از هر جای دیگری در این قاره سبز، مسئولیت اداره دولت را برعهده داشتند. در این زمینه ایرلند و ایسلند در صدر قرار دارند.

مسند قدرت بوده‌اند.

خانم «کرسیتی کالیولاید» در ۱۵ اکتبر سال ۲۰۱۶ میلادی به عنوان رئیس جمهور استونی انتخاب شد و همچنان بر مسند قدرت است. در این میان، کشور سوئد یک استثنا است. این کشور واقع در شمال اروپا، تا به امروز هرگز توسط یک سیاستمدار زن رهبری نشده است.



نانسی پلوسی



هیلاری کلینتون



کریستین لاگارد



آنگلا مرکل



ترزای می



دیلما روسف



کامالا هریس

آنگلا مرکل (صدراعظم آلمان از سال ۲۰۰۵)، هیلاری کلینتون (سناتور و وزیر امور خارجه پیشین آمریکا)، کریستین لاگارد (مدیر عامل اجرایی صندوق بین المللی پول و سپس رئیس بانک مرکزی اروپا)، نانسی پلوسی (رئیس مجلس نمایندگان آمریکا)، ترزا می (نخست وزیر پیشین بریتانیا)، دیلما روسف (۳۶ امین رئیس جمهور برزیل)، کامالا هریس

زنان اداره می‌شود که نشان از قدرت زنان و اعتماد جامعه به آنهاست. طبق مطالعات شاخص شکاف جنسیتی کشور ایسلند را باید بهترین کشور برای زن بودن نامید، چون برای دهمین سال پیاپی در بالای فهرست قرار می‌گیرد، و شکاف جنسیتی را بسیار کم کرده است. چهار کشور برتر، کشورهای شمال اروپا هستند: نروژ، فنلاند و سوئد به ترتیب در رده‌های دوم، سوم و چهارم قرار دارند.

در ایرلند قدرت برای ۲۱ سال و در ایسلند به مدت ۲۰ سال در دست زنان بوده است. پس از این کشورها، زنان سیاستمدار نروژ و فنلاند با دوره زمامداری به ترتیب ۱۳ و ۱۲ سال در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

کشورهای بالتیک جایگاه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. زنان سیاستمدار ۱۰ سال در لیتوانی، ۷ سال در لتونی و یک سال در استونی بر

با بررسی آمار در آغاز سال ۲۰۲۰ میلادی می‌بینیم زنان با کسب قدرت اجرایی توانسته‌اند در ۳ کشور اروپایی بیش از ۵۰ درصد کابینه را به خود اختصاص دهند.

«پدروسانچز» نخست وزیر اسپانیا با منصوب کردن ۱۱ وزیر زن در کابینه ۱۷ نفری این کشور، رکورد تازه‌ای در تاریخ اسپانیا و جهان ثبت کرده است.

فنلاند جوان‌ترین نخست وزیر جهان را دارد. «سانا مارین» زن ۳۴ ساله‌ای که ۱۲ صندلی از ۱۹ صندلی وزارت را به زنان اختصاص داده است.

زنان در اتریش ۵۷٫۱ درصد از کرسی‌های وزارت را تصاحب کردند تا از میان ۱۴ سمت اجرایی و تصمیم‌گیری ۸ منصب را در اختیار داشته باشند.

هر چند به نظر می‌رسد زنان در کشورهای توسعه یافته غربی بیشترین سهم در پارلمان را دارند اما اینطور نیست؛ جمهوری رواندا کشوری در شرق آفریقا است که ۶۳ درصد از کرسی‌های پارلمان را زنان اشغال کرده‌اند. رتبه دوم از آن کشور های کوبا و بولیوی است که ۵۳ درصد اعضای پارلمان زنان هستند. در جایگاه سوم مکزیک قرار دارد که ۴۸ درصد صندلی‌های مجلس در اختیار زنان قرار دارد. در سال‌های اخیر، در آمریکای لاتین و بعضی کشورهای آفریقایی گام‌های موثری در زمینه مشارکت بیشتر زنان در سیاست و ارائه مسوولیت‌های برجسته به آن‌ها برداشته شده است.

بنا بر یافته‌های مطالعات مجمع جهانی اقتصاد و گزارش سال ۲۰۲۰، تاکنون فقط ۲۵ درصد از مجموع ۳۵،۱۲۷ کرسی پارلمانی در جهان توسط زنان اشغال شده و تنها ۲۱ درصد از ۳،۳۴۳ وزیر جهان را زنان تشکیل می‌دهند و در برخی کشورها زنان به هیچ وجه نماینده نیستند. علاوه بر این، در طول ۵۰ سال گذشته، در ۸۵ کشور از ۱۵۳ کشور مورد نظر این گزارش، رئیس دولت هیچ وقت زن نبوده است.

باز هم باید به این نکته تاکید کرد که با وجود گسترش فعالیت سیاسی زنان و افزایش شمار زنان سیاستمدار، نابرابری میان زن و مرد در بسیاری از کشورها دیده می‌شود، هر چند که این نابرابری‌ها بطور آهسته رو به کاهش‌اند.

در پایان بیان این نکته ضروریست برابری جنسیتی بر رشد و پیشرفت اقتصادها تأثیر بسزایی دارد و حکومت‌ها و رهبران برای دستیابی به توسعه پایدار بعنوان انتخاب درست در مسیر پیشرفت، باید محیطی فراهم آورند که معیار انتخاب‌ها شایسته سالاری باشد نه جنسیت.



سخنان شهید مطهری پیرامون "آزادی انتخاب"

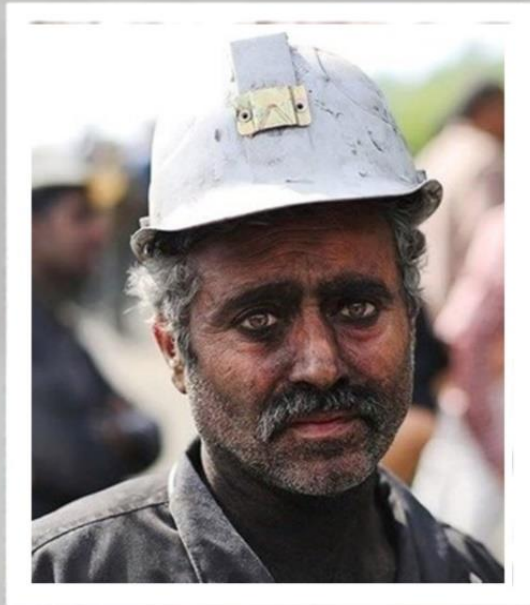
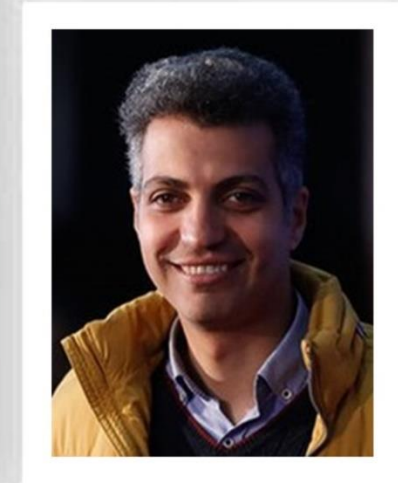
اما اگر شما بخواهید به مردم تحمیل بکنید، بگویید مردم شما نمی‌فهمید، شما حتما باید فلان شخص را انتخاب کنید، این مردم تا دامنه قیامت رشد اجتماعی پیدا نخواهند کرد. اصلا باید مردم را آزاد گذاشت تا فکر کنند، تلاش کنند، معیارها را بسنجند، چندین بار انتخاب کنند به اشتباهاتشان پی ببرند تا تجربیاتشان کامل بشود و بعد به

صورت یک ملتی در بیایند که رشد اجتماعی دارد. اگر به بهانه اینکه ملت رشد ندارد و باید به او تحمیل کرد تا ابد این ملت غیر رشید باقی می‌ماند.

بسیاری از مسائل اجتماعی است که اگر سرپرست‌های اجتماع افراد بشر را هدایت و سرپرستی نکنند، گمراه می‌شوند. اگر هم بخواهند هدایت و سرپرستی را ولو با حسن نیت تا چه برسد به آنجایی که سوء نیت است- به بهانه اینکه مردم قابل نیستند، لایق نیستند، مردم خودشان نمی‌فهمند، آزادی را از مردم بگیرند، این مردم تا ابد بی‌لیاقت می‌مانند. مثلا انتخابی می‌خواهد صورت بگیرد (انتخاب وکیل مجلس یا انتخاب دیگری) ممکن است تشخیص شما که در فوق این جمعیت قرار گرفته‌اید این باشد که برای ملت خوب است که فلان مرد یا فلان شخص را که شایسته‌تر است انتخاب کنند



اتفاقیہ



ابوالفضل مقدم



ما که آن روز را ندیده‌ایم؛ اما برخی که دوم خرداد ۷۶ را دیده‌اند، می‌گویند خرداد از روز دوم آن شروع می‌شود! روزی که به عقیده بسیاری نقطه عطفی در تاریخ کشور بود. روزی که کاندید نظام در برابر اتحاد مردم شکست خورد. در آن روز مردم بر تعصب، تحمیل و خفقان نه گفتند و عقلانیت، آزادی و همزیستی را برگزیدند.

دوم خرداد ۷۶ را میتوان اولین دوقطبی انتخابات بعد از انقلاب ۵۷ نامید. در حالیکه هیچکس فکرش را نمی‌کرد - حتی رئیس جمهور وقت - ۲۰ میلیون رای بنام سید محمد خاتمی از صندوق آراء بیرون آمد. در خاطرات آیت‌الله هاشمی نوشته شده که حدس نمی‌زدیم خاتمی پیروز شود، همه کانون‌های قدرت دست در دست هم داده بودند تا نامزد جناح راست، ناطق نوری رأی بیاورد و تمام تریبون‌های تبلیغی رسمی و مذهبی و مطبوعات دولتی و نهادهای انقلابی در دست آنان بود؛ اما در این میان معجزه امید را فراموش کرده بودند.

شروع اصلاحات در ایران نقطه قوتی بود برای بازگشت ایران به جهان درهای ایران به روی کشورهای دنیا باز شد و سازمان ملل پیشنهاد خاتمی که گفتگوی تمدن‌ها بود را تصویب کرد.

در عرصه سیاست داخلی گفتمان آزادی بیان پررنگ‌تر شد. به سیاستمداران تعلیم داده شد که باید قدرت در خدمت آزادی قرار گیرد، اگر آزادی حذف شود، انحصار رشد پیدا می‌کند، توسعه اقتصادی بدون توسعه سیاسی و فرهنگی میسر نیست، نباید با زور و سرکوب جلوی اندیشه‌های نو و روشنفکری‌ها ایستاد.

پیام دوم خرداد، پیام دوستی و گفتگو بود، صدای دوم خرداد رسا بود، اینکه امنیت به معنای خفقان نیست، با چماق نباید مخالف را کوبید و سخت‌گیری‌های بی مورد دین را زیر سوال می‌برد. تحمل اصلاحات و آزادی برای برخی متعصبان کج‌اندیش بسیار سخت بود، دوم خردادی‌ها فهمیدند که دموکراسی و آزادی دشمنان بسیاری دارد. دوم خرداد در کشور درس‌های زیادی به حکومت و حکمرانان داد که شاید بعضی‌ها هنوز این درس‌ها را نیاموخته‌اند.

نزدیک غروب آفتاب است و من صبح را دوست دارم. اَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ...



ابوالفضل مقدم



امروز ۱۸ اردیبهشت است؛ سومین سالگرد خروج آمریکا از برجام.

۱۸امین روز از اردیبهشت ۹۷، ترامپ تمام تندروهای دنیا را ذوق زده کرد. او صلح، دیپلماسی، منطق و امید را لگدمال کرد.

یک تصمیم تاریخ‌ساز و حاصل ۲۰ ماه تلاش دیپلماتیک فشرده را که برای صلح جهانی گرفته شده بود، با خودشیفتگی تمام دفن کرد.

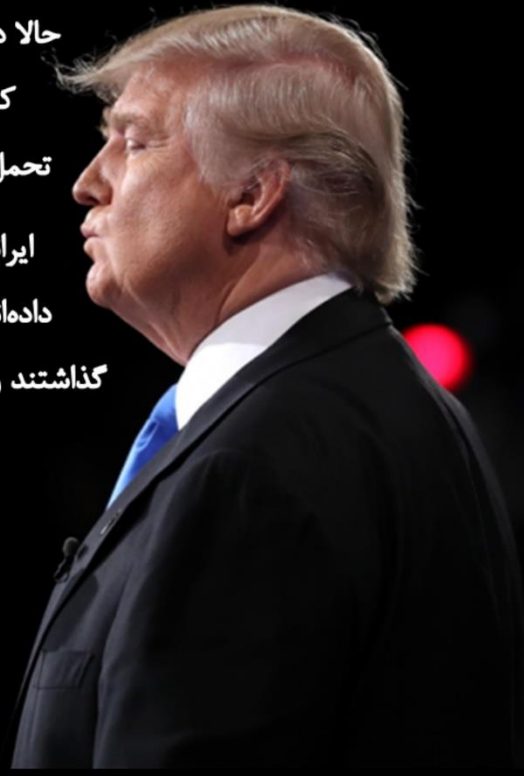
سه سال تلخ، سرد و تاریک بر ایرانیان گذشت، لبخند از لب‌هایشان گریخت و رویای بازگشت به جهان برایشان به سراب تبدیل شد.

ترامپ دوباره تاریخ سیاه را برایمان زنده کرد، هدفش شکستن استخوان مردم و نابودی ایران بود، هر چه از جنایتش بگوییم کم گفته‌ایم، فشار سخت و غیرقابل تحملی را بر ایرانیان تحمیل کرد، دارو را برای بیماران تحریم کرد غذا را تحریم کرد. لحظات غم انگیزی بر ایرانیان گذشت، مشکلاتشان روز به روز افزوده شد، اما امروز ترامپ در انزواست و ایران به سَروی مقاوم تبدیل شده که شاخه‌هایش زیر بار شدیدترین فشارها خم نشده‌اند.

حالا دیپلماسی در وین به دنبال احقاق حقوق ملت ایران است و دوباره کورسوی امیدی برای ایران زنده شده، مردم ۳ سال نفس گیر را تحمل کردند و حالا نتیجه مقاومتشان را می‌خواهند.

ایرانیان همیشه نشان دادند به زبان صلح و تکریم جواب مثبتی داده‌اند و زبان زور را نمی‌پذیرند؛ آنها ترامپ قلدر را هم پشت سر گذاشتند و با قدرت راهشان را ادامه می‌دهند.

زنده باد امید زنده باد ایران .



روز معلم باید روز گرامیداشت یاد و خاطره معلمانی همچون «حمید کنگو زهی» باشد که زیر آوار دیوار مدرسه ماند یا «اکبر عابدی» که در آتش سوخت، «کاظم صفرزاده» که خود را به سیلاب سپرد، «حسن امیدزاده» که به دل آتش زد، «حمیده دانش» که غرق شد و بسیاری از معلمان دیگر که تا پای جان به عشق و تعهدشان به ایران و فرزندان وفادار ماندند.

بیاید از تعصبات خود بکاهیم تا «ابوالحسن خانعلی» ها را مگر دوباره زنده کنیم و «اسماعیل عبدی» ها را از بند رها کنیم.

بیاید از قلم نترسیم، از ماهی‌های سیاه کوچک، از «صمد بهرنگی»، که حرمت ریاضت‌ها و سختی‌هایی که معلم در روزگاران دور تا کنون کشیده را نگه داریم.

امروز، برجسته‌ترین مشکل معلمان که اغلب در اعتراضات صنفی مطرح می‌شود مسئله مشکلات معیشتی است.

معلمین نسبت به سایر دستگاه‌های دولتی کمترین حقوق را دریافت می‌کنند؛ بسیار کمتر از خط فقرا

معلمینی که حتی از بیمه درمانی قابل قبولی برخوردار نیستند.

و این باعث شده است درصد قابل توجهی از معلمان به ناچار به شغل دوم و یا قراردادهای غیر رسمی با مدارس غیر دولتی تن بدهند و به بیان دیگر بیش از پیش دچار استثمار شوند.

در سوی دیگر، به کارگیری مدیران در پست‌های اداری و آموزشی بر مبنای تعاملات انتخاباتی و سیاسی آفتی است که به جان آموزگاران افتاده است. به جرات می‌توان گفت یکی از دلایل کم توجهی به شأن و منزلت معلمان نیز همین است.

در عین کمبود معلم، امنیت شغلی برای این قشر وجود ندارد؛ دولت همواره سیاست‌های غیرقابل قبولی چون بکارگیری گروه‌های مختلف چون طلاب، سربازان، دانشجویان و آموزشیاران سواد آموزی را برای کمبود معلم اتخاذ کرده است در حالی که نیازهای معلمان استخدامی را نمی‌تواند تأمین کند.

بعد از گذشت چهار دهه از برگزاری هفته‌ای با عنوان هفته معلم که حتی به صورت نمادین هم به درستی برگزار نشده است، ای کاش و ای کاش که رنجورتر نکنیم این قوم را و باری اضافه نباشیم بر پشتشان، که خستگی این ایام سیاه، به خودی خود ایشان را خمود کرده و نایی برای ادامه مسیر ندارند.

شرف و انسانیت حکم می‌کند به خاطر وجود معلمانی که امروزه نه برای حداقل حق و حقوقی که برایش فراهم نیست بلکه برای تعهد و عشقش به ایران و فرزندان، آموزگاری می‌کنند، مسئولان آموزش و پرورش کمی به تکالیف و وظایفی که در قبال معلمان دارند توجه کنند، نه در حرف که در عمل!

همت کنیم و معلم را به پاسداشت همه فقر هنر و فرهنگمان، و به صدای بی صدای معلمی که زمزمه کرد بابا نان داد، اما در هیبت پدرا نهی خود هزاربار می‌شکست، به فراموشی نسپاریم!

روز معلم گرامی باد.



حسام عزیزی و مجتبی طالبی



در حالی که روز جهانی کارگر رسیده‌ایم که براساس آمار رسمی، امسال سومین سال پیاپی است که اقتصاد ایران در رکود به سر می‌برد.

قشر زحمت‌کش کارگر که از ارکان مهم و جدایی‌ناپذیر در تمامی جوامع مدنی بوده امروز دیگر رمقی برایش باقی نمانده است.

به استناد داده‌ها و آمار در ایران بیش از ۳۰ میلیون کارگر بخش خصوصی و دولتی در سن کار وجود دارد که بیش از ۳ میلیون نفر از کارگران شاغل از هر نوع پوشش بیمه‌ای محروم هستند.

۵۰ درصد از کل این جمعیت (۱۵ میلیون) در بخش صنعت اشتغال دارند که با احتساب صنعت نفت، مولد ۳۲٫۵ درصد از کل تولید ناخالص داخلی هستند.

با تصویب مجلس و دولت، حداقل حقوق و مزایا کارگران در سال ۱۳۹۹ به ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده است.

این در حالیست که در اردیبهشت ۱۴۰۰ خط فقر برای یک خانواده ۴ نفره به مرز ۱۰ میلیون تومان نزدیک شده است.

کارگران امروز بیش از همیشه از معیشت و وضعیت خود ناراضی هستند؛ دستمزد پایین، فقدان امنیت شغلی و فقدان حق اعتراض صنفی، جایی برای رضایت شغلی آنان باقی نگذاشته است.

اعتراض و مرگ بی‌صدای کارگران حتی در رسانه‌ها نمود ندارد و این ظلم و جفا باعث شده قشر کارگر اندک امید خود برای بهبود شرایط و احقاق حقوق مسلم خویش را بر باد رفته ببیند.

ارباب و بازداشت و شکنجه کارگران، ممنوعیت تشکل‌ها، سرکوب اعتراضات و اعتصابات یا تبعیض و استثمار کارگران، پایمال نمودن حقوق حق کارگران چون بیمه و وصول مطالبات و سنوات همگی از مشکلات کارگران در ایران است.

شرکت‌های هفت تپه، سیمان کارون و هپکو به عنوان سردمدار در نقض حقوق بنیادین کارگران شناخته می‌شوند.

فقط در سال گذشته برای فعالان کارگری و مدافعان حقوق آنها در ایران ۱۱۱ حکم بازداشت ۱۸۵۲ ماه حکم زندان و ۴۴۹ حکم ضربه شلاق صادر شده است.

امید است به جای نمایش سیاسی برای ورود به حوزه مشکلات کارگری، با تکریم این قشر زحمت‌کش و پرهیز از نگاه فنودالی به مشکلات مهم‌ترین و پرجمعیت‌ترین و در عین حال مظلوم‌ترین قشر شاغل در ایران رسیدگی کنیم. کارگرانی که سهمشان از

زندگی تنها نام یک روز در برکه تقویم و تقدیر و بزرگداشتی نمایشی است.

فاطمه شجاع



بی‌گمان یکی از مشکلات بشر تا کنون خوش گمانی افراطی و سهل‌القبولی بوده است، چه بسا سودجویانی که از این ساده انگاری کمال استفاده را برده‌اند.

بی‌شک ساخت و رونمایی از دستگاه ویروس‌یاب مستعان ۱۱۰ یک مصداق برای این موضوع است؛ کمتر از دو ماه بعد از شیوع ویروس ناشناخته اخبار اختراع این دستگاه ویروس‌یاب منتشر می‌شود، دستگاهی که پیش از ارائه‌ی خود مهر تأیید هیچ مرجع علمی‌ای را کسب نکرده بود!

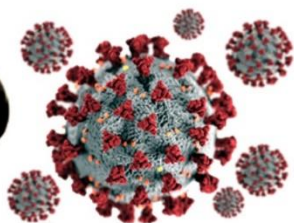
جالب توجه این است که برخی از همان ابتدا حرف از تولید انبوه این اسباب بازی زدند احتمالاً برای تولید انبوه آن درخواست بودجه‌های نجومی هم کرده‌اند و برای آن بودجه خواب‌های خوبی هم دیده بودند.

بله زمانی که مردم در بحبوحه‌ی ویروس کشنده، داغدار عزیزانشان بودند عده‌ای داشتند از آب گل آلود ماهی می‌گرفتند...

مستعان ۱۱۰ مشتی از خرورار است.

مشتی که نشان داده بسیاری از تصمیمات نیز این چنین گرفته می‌شوند، تصمیماتی که بعضاً در سطح کلان‌اند.

در انتها رویکردها به مسائل بایستی عقلانی و در سایه‌ی علم و خرد باشد، بایستی سیستماتیک فکر شود و از تفکر و تصمیم‌گیری احساسی پرهیز شود.



خانه ماست

فلسفه



شایان اسلامی بلده

دهم اردیبهشت، سالروز اخراج پرتغالی‌ها از خلیج فارس، نام‌گذاری شده‌است به نام روز ملی خلیج فارس خلیج ما اما کم چشم بد دنبالش نبود؛ حتی بعد از پرتغالی‌ها.

خلیج جنگ دید، خلیج غارت دید، خلیج خون دید، خلیج فقر دید، خلیج خاک فروشی دید، خلیج بی‌رحمی با فرزندان زبان‌بسته‌اش را دید، خلیج فقط دهان نداشت که فریاد بکشد.

خلیج قرن‌ها گنجور ایران بود. بخشنده هم بود. نبود زمانی که خواستیم و نداد. خلیج فارس بیشتر از هر چیزی ملی بود.

خلیج فارس دست نعمت و رحمت خدا بر سر ما بود. ما اما برای خلیج چه کردیم؟ با اتلاف و پاسداری نکردن از آن گنج‌ها خون به جگرش کردیم، خاک هرمز را در شیشه کردیم و گذاشتیم کشتی‌های صیادی ترال ناخن روی صورتش بکشند.

خلیج اما هنوز مهربان است. ما باید از نامهربانی‌هایمان کم کنیم.

۱۰ اردیبهشت ماه، روز ملی خلیج فارس گرامی باد.



مهتاب حیدری



مناظره فائزه هاشمی رفسنجانی-دختر ۱۴ ساله

در دنیایی که ما زندگی می‌کنیم اگر با دقت در آفریده‌های خداوند تأمل کنیم خواهیم دید که هیچ‌کدام از گونه‌های آفرینش ظلم کردن را به اندازه‌ی آدمی بلد نیست. انسان موجودی است که همه چیز را به تباهی می‌کشاند.

انسان نادان، روزی گوساله سامری می‌سازد روزی بر سنگ و چوب سجده می‌کند و روزی فرعون را نیمه خدا می‌داند. در تمام تاریخ بشریت بت‌ها در شکل‌ها و رنگ‌های گوناگون مورد ستایش قرار گرفته‌اند.

این سنت زشت بت یابمان برای پرستش تا چند نسل قرار است ادامه پیدا کند؟؟

جهالت را چند نسل می‌خواهیم ادامه دهیم؟

در فضای سیاسی کشورمان ایران این مسئله در ابعاد کوچک و بزرگ در طی سال‌های متمادی وجود داشته است و تا به حال ادامه پیدا کرده است. از مدح شاعران در وصف پادشاهان و وزیران تا به امروز که مدح سیاستمداران درجه یک و دو و الی آخر... وجود دارد.

سوال و یا انتقاد از اشخاص سیاسی با هر سمت و جایگاهی به دور از اشکال در کشورهای مردم سالار است.

حال می‌پردازیم به موضوع اخیرا پیش آمده یک منتقد سیاسی با هر دیدگاه درست و یا نادرستی از بالاترین مسئول کشور درخواست مناظره می‌کند، کجای این صحبت خلاف قانون اساسی کشورمان و یا خلاف اصول کشورهای مردم سالار است؟

و در این میان یک مادر و دختر به موضوع از طریق رسانه‌های اجتماعی ورود می‌کنند و به تمسخر می‌پردازند و فرد سوال کننده را گاو خطاب می‌کنند و می‌گویند ما حاضر به مناظره هستیم و زمانی که خانم فائزه هاشمی این درخواست مناظره را از طرف ایشان را می‌پذیرد. درخواست به بهانه‌ی امتحانات و احتمال سوءاستفاده رد می‌شود.

توانایی گفتگو نه ولی توانایی توهین آری؟! در اینکه هر شخص با هر سنی می‌تواند نظراتش را بیان کند و انتقادی را مطرح فرماید صحبتی نیست اما به کاربردن لفظ توهین آمیز جایز نیست و همچنین اگر این دختر نوجوان به اختیار خود این صحبت‌ها را داشته است که هیچ؛ اما اگر به اجبار خانواده و یا گروهی منفعت طلب به این راه کشانده شده مصداق بارز کودک آزاری است.

FERDOSI POR



محمد امین خادمی

یکی از مشکلاتی که نظام با آن سر و کار دارد، مشکل مدیران رده‌ی میانی است.

برای نمونه: «وقایع اخیر در زمینه‌ی گزارشگری بازی فوتبال».

فردوسی‌پور و فروغی

هنگامی که شایسته‌سالاری اصل مطلق نباشد، افراد ناشایست برای رسیدن به مدارج بالاتر دست به اقداماتی می‌زنند تا فقدان علم، تجربه، هوش و... خود را به واسطه آن پوشش بدهند. یکی از این اقدامات افراطی‌گری است تا به عبارتی حتی از پاپ هم کاتولیک‌تر شوند!

در این مثال، آقای فروغی از آرمان‌های نظام هم پا را بسیار فراتر می‌گذارد تا جایی که حتی برای خود مداری متصور می‌شود و اگر کسی در مدار فرضی وی نباشد اجازه فعالیت ندارد!

حتی اگر شخصی به سابقه، مهارت و از همه مهم‌تر محبوبیت عادل فردوسی‌پور باشد، فردوسی‌پوری که سال‌های سال به طور موفق برنامه‌های گوناگون را در صدا و سیمای جمهوری اسلامی اجرا کرده بود. ایراد اساسی اما آنجاست که باندبازی‌ها، سفارشات و ظاهرسازی‌ها عزل و نصب مدیران را تعیین می‌کند و نه شایستگی ایشان و حاصل این جریان چیزی جز تشویق به ظاهرسازی، ریا و دنبال سفارشات خاص! بودن نیست.

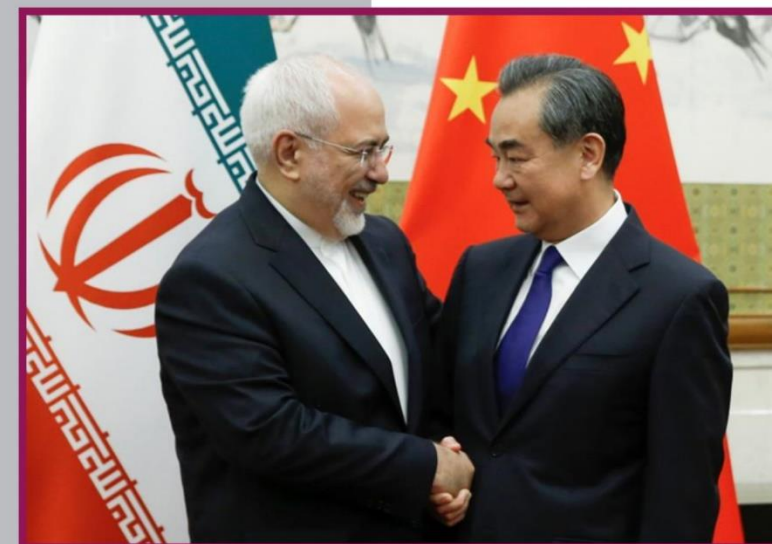
به امید آنکه سیاست‌های کلی به نحوی تغییر کند که مشوق کسب شایستگی‌های متناسب با هر جایگاه و سمتی باشد.

شهید چمران می‌گویند تقوا از تخصص لازم تر است، آنرا می‌پذیریم، اما می‌گوییم: آنکس که تخصص ندارد و کاری را می‌پذیرد، بی‌تقواست.



ایراد ما به تفاهم‌نامه با چین،

شفاف نبودن آن است.



محمد امین خادمی

تفاهم‌نامه با چین می‌تواند اهرم فشاری بسیار بزرگ‌تر از بمب اتم برای ایران باشد چرا که تاریخ ثابت کرده است مسائل اقتصادی حرف اول را در مناسبات کشورها و جایگاهشان می‌زند نه قدرت نظامی، به نحوی که قدرت نظامی معلول قدرت اقتصادی است.

اما ایرادی به این تفاهم‌نامه وارد است که همانند توافق برجام که متن توافق به صورت شفاف در اختیار همگان قرار گرفت، متن این تفاهم‌نامه به صورت شفاف در اختیار همگان قرار نگرفته و این مورد شک و شبهه‌ی زیادی را می‌آفریند، حال آنکه حق تمام مردم است که از چنین مناسباتی به صورت شفاف آگاه باشند.

ارتباط با خارج از مرزها، چه با چین، چه با آمریکا و در مجموع با تمامی کشورها باید بر اساس منافع ملی باشد.

حال طرف قرارداد می‌خواهد هر کشوری باشد، باید احساسات نژادپرستانه را از خود دور کنیم و عاقلانه و با بینشی همراه با جغرافیای سیاسی و اقتصادی به مسائل خارجی نگاه کنیم.

ایران شاهراه ارتباطی بین شرق و غرب است و در خاورمیانه جایگاه بسیار مهمی دارد، اقتضای طبیعی جغرافیای ایران چیزی جز ارتباط داشتن با شرق و غرب نیست.



طرح: روزنامه ایران

جان پدر ، جان مادر ، کجاست ؟

به خواهرم گفتم

از میدان ها، محله های بزرگان

و بازارهای شلوغ کابل دوری کن

گفت: مرگ در اینجا چون گرد در هواست

همه ی دریچه ها را ببندی نیز

سرانجام به اتاقت می آید.